

و هر چه بدبختی و شکست و زشتی است نتیجه فردگرایی و جدا کردن حساب گروهها از یکدیگر است، و تنها در این زمینه است که مفاهیمی بر روی عنوان بالا که شکل يك سوال را به خود می‌گرد و بیاورن پاسخ آن نیازمند این است که قبلا به دو موضوع توجه کنیم:

۱- نیاز و کشش انسان به زندگی جمعی - برخلاف آنچه بعضی فکر می‌کنند - نه از این نظر است که انسان در اول اجتماع بهتری می‌تواند از مواعب زندگی بفرماید شود و با دشمنان حیات خود بجنگد ، بلکه بخاطر آن است که يك انسان متهای اجتماع «صحیح» است و با اجتماع «صحیح» پیوسته.

۲- بدون زندگی جمعی «صفر» است و «آن» «نی نهایت»!

او در شکل «فردی» موجودی است ضعیف و ناتوان، جاهل و نادان، غلب افتاده و شکست خورده و در شکل «جمعی» موجودی است دانا و هوشمند، غنی و پرمایه، پیروز و پرمند. چون استعمار و بهره‌کشی و استثمار و بی‌آمدن های آنها از قبیل جنگ و خونریزی و ناامنی و باعمال شدن ندبیهی ترین سفوق بشر شکل می‌گیرد.

به همین دلیل آن کس که گمان می‌کنند می‌تواند در میان يك ملت بدبخت ، خوشبخت زندگی کند، و یا از آن بالاتر، باید خوشبختی خود و ابر اساس بدبختی «گران» بگذارد دست در اشتباه است.

در آياتی که اشاره به قیام مهدی - یعنی اوج تکامل جامعه انسانی در تمام زمینه‌ها -

آخرین بحث پیرامون مسأله تقیه

ناصر مکارم شیرازی

موضع گیری تقیه

در

يك مكتب انقلابی

تمام بشرتهای علمی و صنعتی که چهره دنیا را دگرگون ساخته تنها محصول بخشی از همکاری انسانها و به تعبیر دیگر نتیجه يك همکاری جمعی است. محدود در زندگی گروهی تنها در يك سطح است.

و هرگاه مردم جهان برای زندگی گروهی در تمام سطوح آماد، شونده در حقیقت آرزوی هیچ مشکل، باعجاری، تضاد، و نگرانی در زندگی انسانها باقی نخواهد ماند.

در نهای کتونی که ترکیبی از زشتها و زیباییها، بیرونها و شکستها، کامیابها و ناکامیهاست هر چه زیبایی و پیروزی و خوشبختی است نتیجه همکاریهای جمعی است،

نده می خوانیم... و جعلهم الامم جعلهم
الاورثین (۱) اشاره به اینکه استمرار عدالت
 با پدر و پسر امر جهان بدون خارج شدن کنترل
 جامعه از دست افراد معین و استقرار آن در
 دست توهم مردم که از آن تعبیر به «استخفاف»
 (اکثریت تابع گرفتارند) شده میسر نیست.
 با توجه به آنچه در بالا در زمینه یافت
 جامعه انسانی گفته شد درک این خطبات آسان
 است که تمام تاکتیکهای عقید و مؤثر در یک
 جامعه، انگار روح خود را حفظ خواهد کرد
 که از شکل فردی برآید و در شکل جمعی
 ظاهر گردد، و تقیه از این قانون مستثنی نیست.
 یعنی «تقیه» تنها به صورت کسان عقیده
 و موضوع عقیده نباشد، بلکه باید بتوان
 یک برنامه گروهی سازمان یافته و تحت نظر
 یک رهبر و در موارد حساب شده انجام پذیرد،
 تا نتایج و فلسفهها و آثاری را که برگزیده
 شرح داریم بهر حال داشته باشد.

۲- تمام مطالعات تاریخی و اجتماعی و
 عقیدتی نشان می دهد که اسلام به صورت یک
 مکتب انقلابی ظاهر شده و برای بقای خود
 لازم است همچنان انقلابی بماند، یعنی انقلابی
 بوده و هست، و خواهد بود، به طوری که اگر
 روح انقلابی را از اسلام بگیریم، همه آنها اساتد،
 بلکه محتوای خود را نیز از دست خواهند داد.
 نه فقط مسئله «جهاد» در تمام زمینهها
 در برابر جهل و قزوقلم و فساد و هرگونه

(۱) سوره قصص آیه ۳۵

دشمن) و امر به معروف و نهی از منکر، تولی
 و تبری، حسبی لقه و بعضی لقه، باره مظلومان
 و دشمن ظالمان بودن، نشان می دهد که اسلام
 از روح انقلابی و ویژه ای برخوردار است بلکه
 عبادت اسلامی که از شکل فردی بیاید تا احیان
 درون صومعهها، و زوایای غارها، در آمده ،
 و به صورت نماز، صیامت یا نماز جمعه، یا کنگره
 عظیم اسلامی حج عرضه شده و دستگیر انقلابی
 بودن اسلام است.

اسلام ، با توجه به تاریخ جنگونی
 و دینش ، با آله که نشانه انقلابی بودن
 است شروع شد. و با قیام بی گریز و نه پناه
 و تمام مپیوهای ساختگی اعم از فکری و
 اسالی و سنگی و چوبی، به آرز خود رسید،
 و تمامی ریشههای آنها را با حین نوبت بلام
 برید و از میان برد.

اکنون می رسیم به اصل بحث که در یک
 چنین مکتب انقلابی و با توجه به لزوم
 کوششها در شکل جمعی «تقیه» یعنی
 می تواند داشته باشد ۱۴ ...
 ممکن است در ابتدا چنین تصور شود که:
 یک مکتب انقلابی ، همچون اسلام - کمال
 سریع - گویند ، افشاگر ، و برخوردار باشد
 با تیر این ، «تقیه» و پنهانکاری نمی تواند در آن
 نقش برعهده گیرد.

اما توجه به بحثهای گذشته و تعبیرات
 خاصی که در روایات نقلیه آمده بود پاسخ این
 سوال را همما می دهد که تقیه در واقع یکی از

برنامههای انقلابی و در مسیر پیشبرد اهدافی
 انقلاب است. زیرا با یک مکتب انقلابی ریشه دار
 و حساب شده به دو چیز نیازمند است :
 محقق الزامه و محفظه امراره!

و به تعبیر دیگر از یک سو باید نیروها و
 که وجودشان برای پیشبرد اهداف انقلاب
 ضروری است حفظ کند، و از تلف شدن بی دلیل
 آنها جلوگیری نماید، و از سوی دیگر برنامهها
 و نقشهها و طرحها را از دست یابی دشمن محفوظ
 دارد .

در قسمت اول، تقیه اینجایی می کند : در
 آنجا که آفتابی شدن افراد باعثاید و زوایان،
 نه تنها ناپدای نفاذ دیکه به قیمت جان آنها
 تمام می شود، و در پرتو استار باقی بمانند و با
 پوشش تقیه از چشم دشمن مکتوم و مستور
 بمانند .

در اینگونه موارد تقیه سیری است که
 جبر خایمات انسانی را می گیرد ، و نیروهای
 فعال و پویا و متحرک را برای مواقع لزوم
 ذخیره می کند .

و در قسمت دوم، تقیه همچون «صندوق
 آهنین» است برای نگهداری اسرار و طرحها
 بر نقشههای انقلابی است همان طرحهایی که
 افشای آنها مساوی است با بی اثر شدن آنها،
 که شرح آن را در بحثهای گذشته دادیم .

بنابر این آنها که گمان می برند تقیه با روح
 انقلابی اسلام تضاد دارد، با مفهوم تقیه را
 نمی دانند و با انقلاب او به معنی یک انقلاب
 سطحی و فاقد نقشه و تاکتیک تفسیر می کنند.

ولی به هر حال - همانگونه که در آغاز

این بحث هم اشاره کردیم تأثیر گسترده و
 عمیق و چشمگیر «تقیه» در صورتی است که
 نه بتواند یک اقدام فردی بلکه به صورت یک
 تاکتیک جمعی و تحت رهبری از آن استفاده
 شود .

و با توجه به این خطبات ، نکته دیگری
 نیز روشن می شود آن اینکه : چه با موقعیت
 ایجاد می کند که در یک تشکیلات انقلابی
 حساب شده، گروهی «الشاکره» باشند، تا هدف
 های آن مکتب را تشریح کنند ، و به گوش
 همگان برسانند هر چند این الشاکری توأم با
 تا ملاحظیات و مشکلاتی برای آنها باشد، و -
 گروهی دیگر در پشت جبهه - با استفاده از
 روش تقیه - «غیره» برای روزهای حساس
 گردند .

ولی با نهایت دقت باید توجه داشت که
 قرار گرفتن در میان یکی از این دو گروه بسته
 به عین اشخاص و افراد نیست، بلکه به موقعیت
 های افراد و ظروف و امکانات هر کس، صفا
 او را مشخص می سازد و گاه اوضاع ایجاد
 می کند که این دو گروه جایجا شوند و تغییر
 موضوع دهند.

در آخرین جمله این بحث بار دیگر این
 خطبات را تکرار می کنیم که:

«تقیه» یک نوع درگیری و مجاهده است
 همه مخالفه کبری و ابرس و قرار از زیر بار مسئولیتها
 و آنها که غیر از این فکر می کنند به مفهوم واقعی
 این برنامه اسلامی نرسیده اند .



«پایان بحث تقیه»